



## مطالعات آراژگینی

ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان، زمستان ۱۳۹۹، شماره چهارم، صفحه ۳-۲۷

مشاهدات بوکاچو از همه‌گیری جهانی به قلم احمدخان دریاییگی:

درنگ بر روی چند واژه

از اواخر سال ۱۳۹۸ ایران و جهان دچار بحران نوعی بیماری جدید به نام کرونا بر اثر ویروس کووید ۱۹ شد. با گسترش یافتن این بیماری در کشور الفاظ متعدد بیگانه بر زبان مسئولان جاری شد و از طریق رسانه‌ها عمومیت فزاینده یافت و شیوه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی برای چگونگی مبارزه با این بیماری تدوین شد و در اختیار عموم قرار گرفت. در اواسط سال ۱۳۹۹ یکی از همکاران گرامی به متنی برخورد که متعلق به سال ۱۳۲۲ق بود و آن را از روی محبت در اختیار این جانب قرار داد. متن مزبور از کتاب *دکامرون* از تألیفات «ژان بکاس فلرانسی» اخذ شده که در عهد مظفرالدین شاه قاجار در بندر بوشهر در ماه ذیحجه سال ۱۳۲۲ق به صورت چاپ سنگی انتشار یافته است. جوانی بوکاچو<sup>۱</sup> (۱۳۱۳-۱۳۷۵م)، از چهره‌های برجسته تاریخ ادبیات ایتالیا و اروپا و یکی از مقامات دولتی فلورانس بود و بسیاری از وقایع داستان‌هایش در این شهر می‌گذرد.

۱. Giovanni Boccaccio. این صورت اشهر نام ژان بکاس فلرانسی در زبان فارسی امروز است که منطبق است بر تلفظ اصیل ایتالیایی آن.

شهرت او بیشتر به سبب مجموعه داستان‌هایش موسوم به *دکامرون* (۱۳۴۸ - ۱۳۵۳م) است. در نگارش داستان‌های غم‌انگیز و خنده‌دار نیز به یک اندازه تبحر داشت؛ پایه‌گذار انسان‌گرایی در دورهٔ رنسانس بود و ادبیات ملی را تا مرتبه‌ای اعتلا بخشید که فقط آثار کلاسیک یونان و رُم باستان به آن دست یافته بود. بوکاچو در فلورانس زاده شد، اما از ۱۳۲۸م تا ۱۳۴۱م را در ناپل گذراند و در همین شهر دل به عشق «فیامتا»<sup>۱</sup> بست که الهام‌بخش نخستین اشعار او شد. پیش از آنکه در سال ۱۳۴۱م به فلورانس بازگردد، روایت منظوم تزئیده<sup>۲</sup> را نوشته بود که چاوسر<sup>۳</sup> در برخی از آثارش متأثر از آن بود. تزئیده نخستین روایت رمانتیکی است که در زبان ایتالیایی در قالب هشت‌هجایی انتشار یافت. بوکاچو در سال ۱۳۵۰م پترارک<sup>۴</sup> را ملاقات کرد و بسیار تحت تأثیر او قرار گرفت. او در سال‌های آخر عمر سخنرانی‌هایی دربارهٔ *کمدی الهی* دانته ایراد کرد. همچنین، نخستین کرسی استادی زبان یونانی را در اروپای غربی در دانشگاه فلورانس دایر کرد (فانی و سادات ۱۳۸۹، ج ۴، ذیل بوکاچو).

*دکامرون* اثر جاودانهٔ جووانی بوکاچو است. این اثر را می‌توان با *هنر/رویک شب* و نیز *افسانه‌های کاتربری*<sup>۵</sup> چاوسر، که خود ملهم از اوست، مقایسه کرد. این کتاب در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ بارها به چاپ رسیده و نویسندگان بسیاری از آن تأثیر پذیرفته‌اند. بوکاچو در مقدمه‌ای که بر داستان اول نوشته، به‌خوبی صحنه‌هایی را به تصویر کشیده است که می‌توان آنها را از درخشان‌ترین قطعات توصیفی داستانی در ادبیات به شمار آورد. او شهر فلورانس را، که مانند بسیاری از شهرهای ایتالیا گرفتار مرگ سیاه یا طاعون شده است، در سال ۱۳۴۸م تصویر می‌کند:

خیابان‌ها را که کاملاً خالی است و وحشت مرگ در آنها نمایان است می‌بینم؛ و سکوت ترسناکی را که تنها خنده‌های وحشت‌زدهٔ کسانی که این فاجعه تمام قیود انسانی را از ایشان زایل کرده است می‌شکند (HUTTON 1930: viii).

همه‌گیری طاعون سبب شده که مهم‌ترین اثر ادبی اروپا به وجود آید.

دکامرون امور اخلاقی و غیراخلاقی را در بر می‌گیرد و تنوع موجود در جهان و مردم قرن ۱۴م ایتالیا را به نمایش می‌گذارد... متنی نمایشی،<sup>۱</sup> طنزآمیز، کم‌دی، سوگنامه‌ای،<sup>۲</sup> فلسفی و حتی تغزلی است (ibid: xii).

بوکاچو این اثر را برای رها شدن اذهان مردم از این بلای جانسوز و حزن‌انگیز نوشته است.

نخستین برگردان فارسی دکامرون در دوره ناصرالدین شاه قاجار به دست احمدخان دریابگی در فاصله سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۲ق (۱۲۸۰ تا ۱۲۸۲ش) ابتدا به صورت یک سلسله‌داستان در روزنامه مظفری بوشهر و سپس به صورت کتاب در ۱۳۲۲ق منتشر شده است.<sup>۳</sup>

احمدخان نوائی دریابگی عمیدالملک، پسر بزرگ جعفر قلی‌خان پسر چراغعلی‌خان از اهل قریه‌نوای مازندران بود. در سال ۱۲۶۴ق که ناصرالدین شاه به سلطنت رسید و میرزا تقی‌خان امیرکبیر صدراعظم شد ...

به دلیل شورش‌ها و مناقشات موجود در فارس،

دولت، احمدخان نوائی، نایب ایشیک آقاسی‌باشی (معاون اداره تشریفات دربار)، را با احکامی به شیراز فرستاد و او پس از ورود آشوب را به کلی خواباند و پس از حاکم شدن بهرام میرزا (معزالدوله)، عم شاه، بر فارس به تهران بازگشت و مورد توجه میرزا تقی‌خان امیرکبیر واقع گردید و چندی بعد به سمت ژنرال فتنسول ایران در تغلیس، که عنوانش کارپردازی بود، تعیین شد و در سال ۱۲۶۹ق تغییر شغل داده، به جای قنبرعلی‌خان بیگلربیگی به حکومت تبریز معین و به آذربایجان رفت. مدتی با سمت مزبور در تبریز بود و سپس تغییر مأموریت داده به حکومت بوشهر انتخاب و فرستاده شد. در سال ۱۲۷۳ق حاکم بوشهر و بنادر خلیج فارس بود. ملقب به لقب دریابگی گردید (بامداد: ۱۳۴۸: ۱۰۵). در آنجا مدرسه سعادت را تأسیس کرد که تا امروز برجاست (سجادی: ۱۳۹۳: ۴۹۱/۱۷). در سال ۱۲۷۹ق برای بار دوم حاکم شهر بوشهر شد و در سن ۳۶ سالگی درگذشت (بامداد: همان‌جا).

1. dramatic

2. tragic

۳. علاوه بر ترجمه ذکرشده، دو ترجمه دیگر از این کتاب موجود است: اولین ترجمه از حبیب شنوقی است که در سال ۱۳۳۲ انتشارات نگاه مطبوعاتی گوتنبرگ به چاپ رساند و دیگری ترجمه محمد قاضی است که انتشارات مزایار آن را پس از مرگ وی در سال ۱۳۷۹ منتشر کرده که در آن برخی از داستان‌ها حذف شده است.

متن کامل کتاب دیکامرون حاوی یک‌صد داستان است. ترجمه‌ای که در اختیار بنده قرار گرفت، نیمه نخست اثر، شامل ۵۰ داستان، است. داستان‌ها در ۱۰ روز و هر روز ۱۰ داستان از زبان ۷ زن و ۳ مرد بیان شده است. آنچه ما در اینجا به آن پرداخته‌ایم داستان‌ها نیست، بلکه مقدمه‌ای است که بر داستان اول نوشته شده و اوضاع اسف‌بار سال ۱۳۴۸م را در فلورانس بیان می‌کند.

ترجمه احمدخان دریابگی دارای نثری زیبا، استوار، شیوا و قابل تأمل است. هنگامی که مقدمه داستان اول را می‌خوانیم اثری از ترجمه بودن در متن مشاهده نمی‌شود و تصور می‌شود که مترجم خود شاهد و ناظر بر وقایع بوده است. انتخاب کلمات بسیار بجا و شیوه بیان جملات به نحوی است که با وجود کوتاهی، حاوی اطلاعات بسیار است.

مطالعه متن مقدمه درباره وقایع سال ۱۳۴۸م و مصادف شدن آن با اوضاع کنونی جهان بهانه‌ای شد برای نگارش این مطلب و مقایسه واژه‌ها و اصطلاحات امروز و گذشته.

آن روزها صحبت از طاعون بوده و امروز صحبت از کرونا و سویه‌های آن است. در هر روزگاری گویا عالم برای حفاظت از خود و هشدار به انسان‌ها در تخریب بیش از حد طبیعت، نوعی بیماری را گریبان‌گیر آدمیان می‌کند. وقتی مطالبی مانند مقدمه دیکامرون در باب این همه‌گیری‌ها را می‌خوانیم، مشاهده می‌کنیم که به‌رغم پیشرفت‌های علمی فراوان در طی قرون گذشته، رفتار و ملاحظات افراد با امروز چندان تفاوتی نکرده و اختلاف صرفاً در نحوه بیان مطالب و گزینش واژه‌هاست و البته داروها و ابزارهای نوینی که جای ادویه و آلات و ادوات گذشته را گرفته است.

در مقدمه داستان اول به واژه‌هایی برمی‌خوریم که امروز برای ما ناآشناست، هرچند نثر شیوای مترجم مطالب آن را قابل درک کرده است. در مطلب حاضر به کلمات و اصطلاحات موجود در این متن و صورت امروزی آنها می‌پردازیم. برخی از این الفاظ همچنان به کار می‌رود، ولی برخی کاملاً تغییر کرده است. در مواردی نیز واژه قدیمی در کنار واژه جدید در زبان فارسی به حیات خود ادامه می‌دهد و به‌جای هم به کار می‌روند. فرهنگستان زبان و ادب فارسی از همان ابتدای شیوع بیماری کرونا به معادل‌گزینی برای اصطلاحات آن و نیز واژه‌های بیگانه‌ای که در نتیجه این همه‌گیری

به زبان مسئولان راه یافت پرداخت و مجموعه‌ای را برای تصویب و انتشار آماده کرد. تعدادی از واژه‌هایی نیز که امروز صورت بیگانه آنها به کار می‌رود، پیش‌ازاین در فرهنگستان معادل‌گزینی شده و انتشار یافته است، اما متأسفانه مسئولان در به کار بردن آنها توجهی به مصوبات فرهنگستان نداشته‌اند.

در همان روزهای شروع همه‌گیری، فرهنگستان در برابر لفظ پروتکل معادل شیوه‌نامه را تصویب کرد و رسماً به اطلاع نهادهای مرتبط رساند، باین حال، همچنان پروتکل بر زبان مسئولان جاری است. درعین حال، الفاظی که پیش‌ازاین صورت فارسی آنها به کار می‌رفت و حتی در کتاب‌های درسی مدارس نیز موجود بود، در گفتار مسئولان به صورت لاتین بیان شد. از آن جمله واریانت و موتاسیون است که معادل‌های گونه و جهش در برابر آنها سال‌هاست که در زبان فارسی وجود دارد و همگان با آنها آشنا هستند.

برای مقایسه واژه‌های متن مقدمه دکامرون و واژه‌های امروزی دو جدول تهیه شده که در یکی از آنها کلمات عمومی زبان و در دیگری اصطلاحات تخصصی فهرست شده است. تفکیک این دو حوزه به این دلیل است که فرهنگستان در برابر بسیاری از الفاظ تخصصی برابرنهادهایی را به تصویب رسانده است که در جدول مربوط آمده و بهتر است یکجا دیده شود و در میان واژه‌های عمومی نادیده گرفته نشود. برخی از الفاظ مندرج در جدول اصطلاحات تخصصی می‌توانند در هر دو جدول قرار گیرند، ولی سعی شده است آنچه مربوط به بیمار و بیماری و حالات مختلف آن است، در جدول تخصصی بیاید و سایر الفاظ که لزوماً مربوط به بیماری نیستند، در فهرست عمومی. برای مثال، الفاظ مریض و بیمار و مانند آنها بسیار عمومی هستند، ولی درعین حال، در حوزه تخصصی معادل‌های خاص خود را دارند و فرهنگستان نیز به آنها پرداخته است.

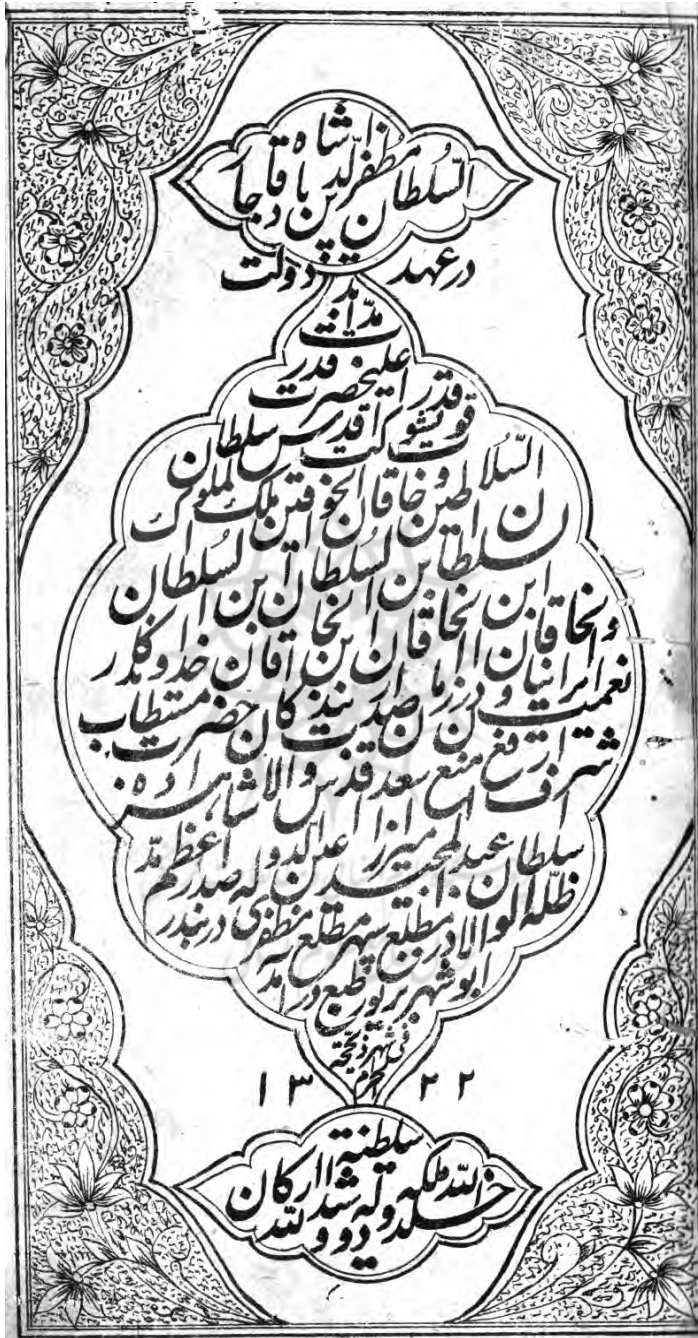
برخی از معادل‌هایی که در جدول اصطلاحات تخصصی آمده، پیشنهادهای گروه پزشکی فرهنگستان زبان و ادب است و هنوز به تصویب نهایی نرسیده است. در هر دو جدول، در برابر برخی از الفاظ قدیمی، علاوه بر واژه‌های امروزی، آن دسته از واژه‌های قدیمی که هنوز کاربرد دارد و منسوخ نشده ذکر شده است. در هر دو فهرست جمله‌ای که واژه مورد نظر در آن به کار رفته به صورت شاهد آمده است تا بافت و نحوه کاربرد آن روشن شود. در ادامه تصویر متن نسخه چاپ سنگی اثر و صورت بازنویسی شده آن خواهد آمد.

## منابع

- بامداد، مهدی (۱۳۴۸)، شرح حال رجال ایران، ج ۱، تهران: زوآر.
- ژان بُکاس فلرانسی (۱۲۸۰ش) [۱۳۲۲ق]، دِکامرون، ترجمه احمدخان دریاییگی، بوشهر: مطبع مظفری.
- سجادی، صادق (سروراستار) (۱۳۹۳)، تاریخ جامع ایران، ج ۱۷، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ سوم: ۱۳۹۶.
- فانی، کامران و محمدعلی سادات (۱۳۸۹)، دانشنامه دانش‌گستر، ج ۴، تهران: دانش‌گستر.

Нипон, Edward (1930), in Giovanni Boccaccio: *The Decameron*, vol 1, London, J. M. Dent & Sons LTD, pp v-xvi.







**کتابخانه کبیر بن ابی اسحاق**

بسم الله الرحمن الرحیم

مرض طاعون که چند سال بود در اغلب ممالک آسیا شیوع یافته و متدرجاً بجانب مغرب  
شامه و قدم در خاک اروپ نهاد و همانا ارتقاثر معاصی ما در ششده سیجی این سغله جانسوز خود  
بشهر فلورانس کشانید و بزودی طغیان شدید و استیلائی آید بهر ساینده با وجود مواعظت  
بیت مجتمعه روسای شهر در منع مرابطه و مخالطه الی در موضع و مواقع و اما گئی که احتمال مرض بر رفت  
و تطبیفات و تطبیفات کامله که در شهر نمودند و مرقت آید که در شدید طرق شوارع در منع دخول  
مرضی از خارج بدخل کردند و بوظایف تکالیف عبادات و انابات و نماز و قرآنت ادعیه و نیاز  
عمومی صدقات متوالی که الی اتفاق روسای ملت و مذرب کاسی آوردند و قواعد کلیه جامعه  
در حفظ صحت و بدستور العمل اطباء حاذق معمول داشتند با منفید فایده و مشتمله مصلحت  
و دفع این بلائی عظیم از ما نکردید مرض طاعون ما شباهت بر مرض طاعونی که در آسیا بودند  
از آنکه می گفتند علامت طاعون آسیا رغانی بود که عارض میشد و نمید که معروف  
چند ساعت بعد تلف خواهد شد - علامت طاعون این بود که در بدن چندین غده  
یا دبل بروز میکرد و باندازه ششم مرغی بلکه کاهی بزرگتر - و قسم دیگر این بود که در بدن خالهای یاه  
یا سفید پیدانید و بعضی اشخاص خالهای کوچک متعدد و اطباء بجلی علاجی برای این مرض مسری



## هذا کتاب دکامرن از تألیفات ژان بکاس فلرانیسی

بسم الله الرحمن الرحيم

مرض طاعون که چند سال بود در اغلب ممالک آسیا شیوع یافته و متدرجاً به جانب مغرب شتافته و قدم در خاک اروپ نهادند همانا از تکاثر معاصی ما در سنه ۱۳۴۸ مسیحی این شعله جانسوز خود را به شهر فلورانس کشانید و به زودی طغیان شدید و استیلای اکید به هم رسانید، با وجود مواظبت هیئت مجتمعه رؤسای شهر در منع مرابطه و مخالطه اهالی در مواضع و مواقع و اماکنی که احتمال مرض می‌رفت و تنظیفات و تنظیمات کامله‌ای که در شهر نمودند و مراقبت اکیده که در تسدید طرق و شوارع در منع دخول مرضی از خارج به داخل کردند و به وظایف و تکالیف عبادات و انابات و نماز و قرائت ادعیه و نیاز عمومی و صدقات متوالی که اهالی به اتفاق رؤسای ملت و مذهب به جای آوردند و قواعد کلیه جامعه در حفظ صحت خود به دستورالعمل اطباء حاذق معمول داشتند ابداً مفید فایده‌ای و مثمر ثمره‌ای مطلوبه نشد و دفع این بلاى عظیم از ما نگرديد. مرض طاعون ما شباهت به مرض طاعونى که در آسیا بود نداشت. از قراری که می‌گفتند علامت طاعون آسیا رعافی بود که عارض می‌شد و می‌نمود که مرعوف چند ساعت بعد تلف خواهد شد. علامت طاعون این بود که در بدن چندین غده یا دمبل بروز می‌کرد به اندازه تخم مرغی بلکه گاهی بزرگ‌تر؛ و قسم دیگر این بود که در بدن خال‌های سیاه یا سفید پیدا می‌شد و در بعضی اشخاص خال‌های کوچک متعدّد؛ و اطباء به کلی علاجی برای این مرض مُسری مُهلک نیافتند. در عموم مرضی طول این مرض سه روز بود. بعد از آن مریض هلاک می‌شد (؟) و در بسیاری از اوقات در مدت قلیلی مریض را هلاک می‌کرد. گاهی هم محض ظهور مرض، بدون اینکه در مریض آثار تبی و تعبی استنباط شود، او را می‌کشت. این مرض چنان مُسری بود که به محض نزدیک شدن پرستار به مریض یا ارتباط عملة موت به میت فوراً تأثیر نموده گرفتار می‌شدند، چنانکه آتش هر چه را بدان نزدیک کنند به مجرد مجاورت آن را می‌سوزاند. پس برای تأثیر و سرایت طاعون کافی بود همان رسیدن دست به پارچه لباس یا اثاث‌البیت که مریض

۵

۱۰

۱۵

۲۰

۲۵

- طاعونی آن را پوشیده یا استعمال کرده بود. اگر جماعتی از معتبرین شاهد بر این مطلب نبودند من هرگز آن را در کتاب خودم نقل نمی‌کردم.
- روزی در کوچه دو خوک را دیدم به پارچه کهنه‌ای که در زمین افتاده و معلوم بود از مریض طاعونی است مشغول. قدری آن را استشمام کرده به دندان گرفته با هم بازی کردند. هنوز سه قدم دور نشده بودند که چند چرخ دور خود خورده، افتاده و هلاک شدند. خلاصه این بلای عظیم و عذاب الیم مردم را چنان مضطرب گردانید که ابداً هیچ کس به فکر دیگری جز خود نبود. دوستی و قرابت و انسانیت و حمیت و حق‌شناسی به کلی از میانه مرتفع گردیده؛ نه تنها مردم از ملاقات مریض گریزان بودند، بلکه اگر می‌شنیدند کسی به عیادت مریض طاعونی رفته یا مرابطه با یکی از پرستاران مریض داشته از وی نیز چنان فرار می‌کردند که گوسفند از دست قصاب یا از چنگال گرگ.
- ۳۰
- جمعی از مردمان با ثروت و مکنت برای حفظ خود درب خانه را بر خود بسته و در زاویه عزلت نشسته به کلی ترک مراوده با خویش و بیگانه نموده کار خود را به صرف عجل حنیذ و غذاهای لذیذ و شکستن زجاجه و کشتن دجاجه و ترانه رود و نغمه عود نموده، بدون اینکه کلمه‌ای از آنچه در شهر آنان مذکور می‌شود در مجالس ایشان ذکر شود.
- ۴۰
- طایفه‌ای دیگر برخلاف آنان شب و روز مرد و زن در کوچه و برزن در تک‌ودو و ایاب‌وذهاب در میخانه‌های عمومی دست تعدی و تطاول به هر چیز مردم دراز کرده در کوچه‌ها بلکه در خانه‌ها مشغول به ارتکاب اعمال قبیحه و افعال غیرصحیحه بودند، مثل اینکه احکام خداوندی و حدود الهی و قواعد انسانیت و قوانین مدنیّت و معاملات حسنه و نظامات ملکّیه به کلی از میان رفته باشد.
- ۴۵
- رؤسای شهر که باید قوانین مطلوبه را اجرا نمایند و مانع حرکات وحشیانه باشند، بعضی از آنان مرده و برخی که زنده بودند از خوف و هول مرگ ابداً حالت رسیدگی به خود را نداشتند تا چه رسد به حال مردم.
- ۵۰
- جمعی دیگر که باید معاش خود را کسب کرده یومیّه صرف نمایند نه

استطاعت انزوا داشتند و نه قوه ارتکاب اعمال ناشایسته، پیوسته به واسطه اینکه اجساد گنبدیده اموات بی صاحب در کوچه و بازار روی هم ریخته بود گل و عطریات با خود داشته دائماً می بوئیدند تا شامه خود را از استشمام هوای عفن شهر حفظ نمایند. ۵۵

جمعی دیگر به گمان اینکه خداوند عالم فقط بر اهالی این شهر غضب فرموده و این بلا تنها بر کسانی که در آن سکنا دارند نازل شده ترک خانه و مال و عیال را گفته به قراء و دهات اطراف فرار نموده غافل از اینکه ارتباط با هوای طاعونی میکروب‌هایی که در چین‌های لباس بلکه در چشم و گوش و دهان و بینی آنها جای دارند به هر جا که بروند همراه ایشان خواهند بود. از این روی، آنها در دهات یا در بین راه گرفتار شده به سختی جان می دادند. ۶۰

دیده می شد که از این بلای مبرم دوست از دوست فرار می کند؛ همسایه در برابر همسایه جان می سپارد، بدون اینکه التفاتی بدو شود؛ اقوام و اقربا را ابداً احوال‌پرسی در کار نبود؛ خواهر از برادر و زن از مصاحبت شوهر دور و مهجور. از همه غریب‌تر بسا بود که پدر و مادر فرزند عزیز خود را گرفتار مرض ۶۵

گذارده می‌گریختند. مواظبت از مرضی و تجهیز اموات منحصر بود به جمع بسیار قلیلی که به کلی ترک جان گفته مردانه و مُجذّانه با دل‌های پولادی بدون ترس و وا همه از احباب و اصحاب پرستاری می کردند. یا جمعی از پرستاران مریضخانه‌ها و اطباء و جراح‌ها و دواسازها بودند که آنها نیز اجرت‌های خیلی گزاف می گرفتند و روز به روز به واسطه مرگ از عده آنها کاسته و بنابراین، بر اجرت عمل بازماندگان افزوده می‌گشت. ۷۰

این مرض مهلک و بلای مبرم علت و سبب شد که اغلب رسوم و آداب که برای اموات به جا می‌آوردند بالمره متروک شد. مثلاً در وقتی که شخص بزرگی قبل از این می‌مرد تمام دوستان و آشنایان جمع شده با کسان میت در گریه و شیون همراهی و متابعت می کردند؛ و جنازه را اگر روز بود با هزارگونه اعزاز و احترام، و اگر شب بود تابوت را در محل گذاشته و اعیان شهر به دوش کشیده با مقدار زیادی مشعل و فانوس به جانب مدفن می‌بردند. ۷۵

در این ایام اگر شخص بزرگی می‌مرد اولاً کسی به تشییع جنازه او نمی‌رفت،

- ۸۰ ثانیاً عیال و اولاد و برادر و خواهر بر او گریه نمی‌کردند، ثالثاً مرده را دو سه نفر مزدور و یک دو نفر کشیش حمل کرده و دعای مختصری خوانده به هر گودالی که می‌رسیدند در آن انداخته و جزئی خاک به رویش ریخته مراجعت می‌نمودند. این بود حال بزرگان، پس حال فقرا و متوسطین را باید بدین وتیره قیاس کرد. اغلب معاملات در این گرفتاری متروک، ایاب‌وذهاب موقوف، آذوقه نایاب، مردم به قسمی پریشان و گرفتار بودند که فوق آن متصور نبود. تفاوتی مابین فقراء و ۸۵ اغنیا دیده نمی‌شد. در هر خانه همین‌قدر که کسی مریض می‌شد سایرین مریض را تنها گذارده فرار می‌نمودند. پس از مردن مریض جسد او عفن می‌شد، آن وقت همسایگان می‌دانستند که در آن خانه مرده هست. پس کسانی که محض کسب ثواب و خیرات خود را وقف این گونه کارها کرده بودند جمع شده آن مرده را برداشته در نعش‌کش‌های بزرگ حمل می‌کردند. اغلب اوقات می‌شد که در یک ۹۰ اطاق مرد و زن و اطفال آنها یک‌جا روی هم ریخته و مرده بودند. برای دفن اموات خندق‌های عمیق حفر کرده که لاقل هر خندقی گنجایش دفن صد جنازه را داشت. در آن خندق مرده‌ها را بر روی هم ریخته مانند بارهایی که در انبار ۹۵ جهازات روی یکدیگر صف دهند چیده و قدری خاک روی آنها می‌ریختند. اطراف فلورانس کمتر از شهر گرفتار نبودند. اغلب قُری و دهکده‌ها خالی از سکنه شده هیچ‌کس در فکر خود و عیال و مال نبود. در هر مزرعه و باغستان مرده‌ها بود که روی هم ریخته، هرکس توانسته بود فرار بر قرار اختیار کرده، ترک همه چیز خود نموده. ابدأ کسی در فکر زراعت نبود. فقط کسانی که زنده بودند خوراکیان میوه‌هایی بود که در باغ‌ها یافت می‌شد. گله ۱۰۰ و رمه صبح به صحرا رفته بی‌شبان و الخی‌بان چرا کرده شبانگاه به دهات و قراء مراجعت می‌کردند. تنها در شهر فلورانس از ماه مارس تا ماه ژولیه سنه ۱۳۴۸ (هزار و سیصد و چهل و هشت) مسیحی متجاوز از دوپست‌هزار نفر تلف شدند. چه قدر عمارات عالیه و قصور مرتفعه که دارای جمعیت متکاثره بوده امروزه خالی و خراب افتاده؛ و چه مقدار خانواده‌های قدیمه که امروزه از آنها ۱۰۵ اثری باقی نمانده؛ و چه متمولین صاحب‌مایه‌ای که امروزه وارثی برای ضبط متروکات و مخلفات آنها باقی نمانده؛ و چه اندازه مردمان نازنده برازنده و

اشخاص نجیب و شاهدان شوخ‌وشنگ و مهوشان خوب و قشنگ و زنان زیبا و دختران مه‌سیما و مردمان صاحب‌صنعت را که این بلای ناگهانی در خاک تیره پنهان نموده و داغ حسرت بر دلشان نهاده و خرمن هستیشان را به باد فنا داده. بس است ذکر و بیان این مرض غم‌اندوز و بلای مُبرم جانسوز. اکنون شروع می‌کنم به سرگذشت شیرین که موجب بهجت و نشاط و مایهٔ سرور و انبساط مطالعه‌کنندگان کتاب ما گردد...

۱۱۰



### اصطلاحات تخصصی

ردیف	واژه متن	واژه مصوب فرهنگستان یا واژه امروزی	جمله متن
۱	استشمام	استشمام کردن، بو کردن، بوییدن	قدری آن را استشمام کرده به دندان گرفته با هم بازی کردند (س ۲۹ و ۳۰)
۲	استعمال کردن	به کار بردن، استفاده کردن	پارچه لباس یا اثاث‌البیت که مریض طاعونی آن را پوشیده یا استعمال کرده بود (س ۲۵ و ۲۶) * هر چند در اینجا این اصطلاح در معنای عمومی به کار رفته است، امروزه در حوزه دارو و درمان اصطلاحات استعمال داخلی و استعمال خارجی کاربرد دارد.
۳	اطباء	پزشکان، طبیبان، اطبا	قواعد کلیه جامعه در حفظ صحت خود به دستورالعمل اطباء حاذق معمول داشتند (س ۱۰ و ۱۱)
۴	پرستار	پرستار (پرستار مصوب در برابر nurse)	به محض نزدیک شدن پرستار به مریض یا ارتباط عمله موت به میّت فوراً تأثیر نموده گرفتار می‌شدند (س ۲۲ و ۲۳)
۵	جراح	جراح پزشکی	جمعی از پرستاران مریضخانه‌ها و اطباء و جراح‌ها و دواسازها بودند که ... (س ۶۹ و ۷۰)
۶	دستورالعمل	شیوه‌نامه، دستورالعمل (شیوه‌نامه مصوب در برابر protocol)	قواعد کلیه جامعه در حفظ صحت خود به دستورالعمل اطباء حاذق معمول داشتند (س ۱۰ و ۱۱)
۷	دمبل	دمل، آبسه (دمل، آبسه مصوب در برابر abscess)	علامت طاعون این بود که در بدن چندین غده یا دمبل بروز می‌کرد (س ۱۵)
۸	دواساز	داروساز (داروساز مصوب در برابر pharmacist, pharmaceutical, apothecary, druggist)	جمعی از پرستاران مریضخانه‌ها و اطباء و جراح‌ها و دواسازها بودند که ... (س ۶۹ و ۷۰)

ردیف	واژه متن	واژه مصوب فرهنگستان یا واژه امروزی	جمله متن
۹	رعاف	خون‌دماغ، خون‌ریزی از بینی	علامت طاعون آسیا رعافی بود که عارض می‌شد (س ۱۳ و ۱۴)
۱۰	سرایت	سرایت، واگیری (سرایت مصوب در برابر contagion)	پس برای تأثیر و سرایت طاعون کافی بود همان رسیدن دست به پارچه لباس ... (س ۲۴ و ۲۵)
۱۱	شیوع	همه‌گیری، شیوع (همه‌گیری مصوب در برابر epidemy)	مرض طاعون که چند سال بود در اغلب ممالک آسیا شیوع یافته ... (س ۱)
۱۲	صحت	سلامتی، سلامت (سلامت مصوب در برابر health)	قواعد کلیه جامعه در حفظ صحت خود به دستورالعمل اطباء حاذق معمول داشتند (س ۱۰ و ۱۱)
۱۳	طاعون	طاعون	مرض طاعون که چند سال بود در اغلب ممالک آسیا شیوع یافته ... (س ۱)
۱۴	طغیان	طغیان (طغیان مصوب در برابر outbreak)	... خود را به شهر فلورانس کشانید و به زودی طغیان شدید و استیلای اکید به هم رسانید، ... (س ۳ و ۴)
۱۵	ظهـور مرض	پدیدار شدن بیماری، آشکار شدن بیماری، پدید آمدن مرض / بیماری	گاهی هم محض ظهور مرض، بدون اینکه در مریض آثار تبی و تعبی استنباط شود، او را می‌کشت (س ۲۰ و ۲۱)
۱۶	علاج	درمان، علاج (درمان مصوب در برابر treatment)	اطباء به کلی علاجی برای این مرض مـُسرئ مهـلک نیافتند (س ۱۷ و ۱۸)
۱۷	غده	غده (غده مصوب در برابر gland)	علامت طاعون این بود که در بدن چندین غده یا دمبل بروز می‌کرد (س ۱۵) * در اینجا منظور از غده همان دمبل است و غده به معنای امروزی در مقابل gland موردنظر نیست.

ردیف	واژه متن	واژه مصوب فرهنگستان یا واژه امروزی	جمله متن
۱۸	مرض	بیماری، مرض (بیماری مصوب در برابر (disease, malady, illness)	مرض طاعون که چند سال بود در اغلب ممالک آسیا شیوع یافته ... (س ۱)
۱۹	مرضی	بیمار، مریض (بیمار مصوب در برابر (ill)	مراقبت اکیده که در تسدید طرق و شوارع در منع دخول مرضی از خارج به داخل کردند ... (س ۷ و ۸) * فرهنگستان مرضی را در برابر morbid به معنی «مربوط یا منسوب به بیماری» به تصویب رسانده است.
۲۰	مرعوف	فرد دچار خون‌دماغ	... و می‌نمود که مرعوف چند ساعت بعد تلف خواهد شد (س ۱۴)
۲۱	مریض	بیمار، مریض (بیمار مصوب در برابر (ill)	بعد از آن مریض هلاک می‌شد (س ۱۹)
۲۲	مسری	مسری، واگیر (مسری مصوب در برابر (contagious)	اطباء به کلی علاجی برای این مرض مُسری مُهلک نیافتند (س ۱۷ و ۱۸)
۲۳	مهلک	کشنده، مهلک	اطباء به کلی علاجی برای این مرض مُسری مُهلک نیافتند (س ۱۷ و ۱۸)
۲۴	میکروب	میکروب / میکرب	هوای طاعونی میکروب‌هایی که در چین‌های لباس بلکه در چشم و گوش و دهان و بینی آنها جای دارند به هر جا که بروند همراه ایشان خواهند بود (س ۶۰ و ۶۱)

### واژه‌های عمومی

ردیف	واژه متن	واژه امروزی	جمله متن
۱	اثاث‌البیت	اثاث خانه، اسباب و اثاثیه	رسیدن دست به پارچه لباس یا اثاث‌البیت که مریض طاعونی آن را پوشیده یا استعمال کرده بود (س ۲۵ و ۲۶)



ردیف	واژه متن	واژه امروزی	جمله متن
۲	اجرت	دست‌مزد، اجرت، در اینجا: ویزیت، حق‌الزحمه؛ در قدیم حق‌القدم نیز گفته می‌شد.	آنها نیز اجرت‌های خیلی گزاف می‌گرفتند (س ۷۰ و ۷۱)
۳	احباب	دوستان، یاران	مردانه و مجذانه با دل‌های پولادی بدون ترس و واهمه از احباب و اصحاب پرستاری می‌کردند (س ۶۸ و ۶۹)
۴	اروپ	اروپا	... و قدم در خاک اروپ نهاد ... (س ۲)
۵	از میانه مرتفع گردیدن	از میان رفتن، نیست و ناپدید شدن	دوستی و قربت و انسانیت و حمیت و حق‌شناسی به کلی از میانه مرتفع گردیده (س ۳۳ و ۳۴)
۶	استیلا	استیلا، چیرگی، غلبه، سلطه	به زودی طغیان شدید و استیلای اکید به هم رسانید (س ۴)
۷	اصحاب	یاران، معاشران، اصحاب	مردانه و مجذانه با دل‌های پولادی بدون ترس و واهمه از احباب و اصحاب پرستاری می‌کردند (س ۶۸ و ۶۹)
۸	اعزاز	گرامی داشتن، تکریم	جنازه را اگر روز بود با هزار گونه اعزاز و احترام... در محل گذاشته... (س ۷۶ و ۷۷)
۹	اعمال قبیحه	کارهای زشت، اعمال ناپسند	مشغول به ارتکاب اعمال قبیحه و افعال غیر صحیحه بودند (س ۴۵ و ۴۶)
۱۰	افعال غیر صحیحه	کارهای نادرست، اعمال ناپسند و ناروا	مشغول به ارتکاب اعمال قبیحه و افعال غیر صحیحه بودند (س ۴۵ و ۴۶)
۱۱	اقربا	نزدیکان	اقوام و اقربا را ابدأ احوال‌پرسی در کار نبود (س ۶۴ و ۶۵)
۱۲	اکید؛ اکیده	قطعی، کامل، تمام‌وکمال	به زودی طغیان شدید و استیلای اکید به هم رسانید (س ۴) / مراقبت اکیده که در تسدید طرق و شوارع در منع دخول مرضی از خارج به داخل کردند (س ۷ و ۸)

ردیف	واژه متن	واژه امروزی	جمله متن
۱۳	التفات	توجه، لطف و مهربانی	بدون اینکه التفاتی بدو شود (س ۶۴)
۱۴	الخی بان [= یلخی بان]	چوپان، گله‌دار	گله و رمه صبح به صحرا رفته بی‌شبان و الخی بان چرا کرده شبانگاه به دهات و قراء مراجعت می‌کردند (س ۹۹ تا ۱۰۱)
۱۵	انابات (جمع انابت)	بازگشتن به سوی خدا، توبه، پشیمانی	... و به وظایف و تکالیف عبادات و انابات و نماز و قرائت ادعیه و نیاز عمومی و صدقات متوالی که ... (س ۸ و ۹)
۱۶	ایاب و ذهاب	رفت و آمد، ایاب و ذهاب، آمدو شد	مرد و زن در کوچه و برزن در تک‌ودو و ایاب و ذهاب در میخانه‌های عمومی... (س ۴۳ و ۴۴)
۱۷	بامکنت	ثروتمند، متمکن، برخوردار، متمول، قدرتمند	جمعی از مردمان با ثروت و مکنت برای حفظ خود درب خانه را بر خود بسته... (س ۳۸ و ۳۹)
۱۸	بالمره	به یکباره، یک‌دفعه، ناگهان	اغلب رسوم و آداب که برای اموات به جا می‌آوردند بالمره متروک شد (س ۷۳ و ۷۴)
۱۹	برازنده	شایسته، لایق	چه اندازه مردمان نازنده برازنده و اشخاص نجیب... (س ۱۰۶ و ۱۰۷)
۲۰	بلای عظیم	بلای عظیم، بلای بزرگ، فاجعه بزرگ	خلاصه این بلای عظیم و عذاب الیم مردم را چنان مضطرب گردانید... (س ۳۱ و ۳۲)
۲۱	بلای مُبرم	بلای سخت، بلای شدید	از این بلای مُبرم دوست از دوست فرار می‌کند (س ۶۳)
۲۲	تجهیز اموات	کفن کردن اموات، کفن کردن مرده‌ها	مواظبت از مرضی و تجهیز اموات منحصر بود به جمع بسیار قلیلی (س ۶۷ و ۶۸)
۲۳	ترانه رود	نغمه ساز، نوای ساز	کار خود را به صرف عجل حنیذ و غذاهای لذیذ و شکستن زجاجه و کشتن دجاجه و ترانه رود و نغمه عود نموده (س ۴۰ و ۴۱)

ردیف	واژه متن	واژه امروزی	جمله متن
۲۴	ترک مراده	قطع ارتباط، ترک ارتباط	به‌کلی ترک مراده با خویش و بیگانه نموده (س ۳۹)
۲۵	تسدید طرق و شوارع	مسدود کردن راه‌ها و جاده‌ها	مراقت اکیده که در تسدید طرق و شوارع در منع دخول مرضی از خارج به داخل کردند (س ۶ و ۷)
۲۶	تطاول	غارت، سرقت، چپاول، تطاول	در میخانه‌های عمومی دست تعدی و تطاول به هر چیز مردم دراز کرده... (س ۴۴ و ۴۵)
۲۷	تعب	رنج و سختی	بدون اینکه در مریض آثار تبی و تعبی استنباط شود (س ۲۱)
۲۸	تعدی	تجاوز، تعدی، دست‌درازی	در میخانه‌های عمومی دست تعدی و تطاول به هر چیز مردم دراز کرده... (س ۴۴ و ۴۵)
۲۹	تکاثر	فراوانی، افزونی، تکاثر، کثرت	همانا از تکاثر معاصی ما در سنه ۱۳۴۸ مسیحی این شعله جانسوز خود را به شهر فلورانس کشانید (س ۲ و ۳)
۳۰	تکودو	تلاش، بدودو، تکودو	مرد و زن در کوچه و برزن در تکودو و ایاب‌وذهاب در میخانه‌های عمومی... (س ۴۳ و ۴۴)
۳۱	تنظیفات (جمع تنظیف)	پاکی و پاکیزگی، نظافت	تنظیفات و تنظیمات کامله‌ای که در شهر نمودند و ... (س ۶ و ۷)
۳۲	تنظیمات (جمع تنظیم)	نظم و ترتیب، آراستگی و نظم و انضباط	تنظیفات و تنظیمات کامله‌ای که در شهر نمودند و ... (س ۶ و ۷)
۳۳	جهازات	کشتی‌ها	مانند بارهایی که در انبار جهازات روی یکدیگر صف دهند، چیده... (س ۹۳ و ۹۴)
۳۴	خوف	ترس، وحشت، خوف	از خوف و هول مرگ ابداً حالت رسیدگی به خود را نداشتند (س ۵۰ و ۵۱)
۳۵	دجاجه	مرغ، مرغ خانگی	کار خود را به صرف عجل حنید و غذاهای لذیذ و شکستن زجاجه و کشتن دجاجه و ترانه رود و نغمه عود نموده (س ۴۰ و ۴۱)

ردیف	واژه متن	واژه امروزی	جمله متن
۳۶	دفع بلا	رفع گرفتاری، رفع بلا، دفع بلا	... دفع این بلاى عظیم از ما نگردید (س) (۱۲)
۳۷	دوستی و قرابت	دوستی و نزدیکی، انس و دوستی	دوستی و قرابت و انسانیت و حمیت و حق‌شناسی به‌کلی از میانه مرتفع گردیده (س ۳۳ و ۳۴)
۳۸	رؤسای ملت و مذهب	رهبران و مراجع دینی و مذهبی	... صدقات متوالی که اهالی به اتفاق رؤسای ملت و مذهب به جای آوردند (س ۹ و ۱۰)
۳۹	زاویه عزلت	گوشه عزلت، انزوا، تنهایی	در زاویه عزلت نشسته (س ۳۹)
۴۰	زجاجه	آبگینه، شیشه، صراحی، جام	کار خود را به صرف عجل‌حنیذ و غذاهای لذیذ و شکستن زجاجه* و کشتن دجاجه و ترانه رود و نغمه عود نموده (س ۴۰ و ۴۱) * منظور از شکستن زجاجه افراط در میگساری و میخوارگی است.
۴۱	سکنا داشتن	سکونت داشتن، سکنا داشتن	این بلا تنها بر کسانی که در آن سکنا دارند نازل شده (س ۵۸)
۴۲	سکنه	ساکنان، سکنه	اغلب قری و دهکده‌های خالی از سکنه شده (س ۹۵ و ۹۶)
۴۳	سنه	سال	همانا از تکاثر معاصی ما در سنه ۱۳۴۸ مسیحی این شعله جانسوز خود را به شهر فلورانس کشانید (س ۲ و ۳)
۴۴	شوخ‌وشنگ	خوشگل و ظریف، زیبا، عشوهر، شوخ‌وشنگ	شاهدان شوخ‌وشنگ و مهوشان خوب و قشنگ (س ۱۰۷)
۴۵	صاحب صنعت	صاحب‌هنر، هنرمند	مردمان صاحب صنعت را که این بلاى ناگهانی در خاک تیره پنهان نموده (س ۱۰۸ و ۱۰۹)

ردیف	واژه متن	واژه امروزی	جمله متن
۴۶	صاحب‌مایه	توانگر، ثروتمند، مایه‌دار، متمول، متمکن	چه متمولین صاحب‌مایه‌ای که امروزه وارثی برای ضبط متروکات و مخلفات آنها باقی نمانده (س ۱۰۵ و ۱۰۶)
۴۷	صف دادن	مرتب چیدن، بر روی هم چیدن	مانند بارهایی که در انبار جهازات روی یکدیگر صف دهند، چیده... (س ۹۳ و ۹۴)
۴۸	عارض شدن	پیش آمدن، پدید آمدن، رخ دادن، روی دادن	علامت طاعون آسیا رعافی بود که عارض می‌شد (س ۱۳ و ۱۴)
۴۹	عجل حنید	گوساله بریان	کار خود را به صرف عجل حنید و غذاهای لذیذ و شکستن زجاجه و کشتن دجاجه و ترانه رود و نغمه عود نموده (س ۴۰ و ۴۱)
۵۰	عذاب الیم	محنت بسیار، عذاب طاقت فرسا، رنج و عذاب سخت، عذاب الیم	خلاصه این بلای عظیم و عذاب الیم مردم را چنان مضطرب گردانید... (س ۳۱ و ۳۲)
۵۱	عمارات عالیه	ساختمان‌های مجلل	چه قدر عمارات عالیه و قصور مرتفعه که دارای جمعیت متکثره بوده... (س ۱۰۳)
۵۲	عمله موت	غسلان و کارکنان گورستان و متصدیان کفن و دفن	به محض نزدیک شدن پرستار به مریض یا ارتباط عمله موت به میت فوراً تأثیر نموده گرفتار می‌شدند (س ۲۲ و ۲۳)
۵۳	قدیمه	قدیمی، اصیل، کهن	چه مقدار خانواده‌های قدیمه که امروزه از آنها اثری باقی نمانده (س ۹۴ و ۹۵)
۵۴	قُراء / قُری	روستاها، قریه‌ها، آبادی‌ها	به قُراء و دهات اطراف فرار نمودند (س ۵۹) // اغلب قُری و دهکده‌ها خالی از سکنه شده (س ۹۵ و ۹۶)
۵۵	قرائت ادعیه	خواندن دعاها	... و به وظایف و تکالیف عبادات و انابات و نماز و قرائت ادعیه و نیاز عمومی و صدقات متوالی که... (س ۸ و ۹)

ردیف	واژه متن	واژه امروزی	جمله متن
۵۶	قصور مرتفعه	قصرهای مرتفع، قصرهای بلندمرتبه، کاخ‌های رفیع	چه قدر عمارات عالیه و قصور مرتفعه که دارای جمعیت متکثره بوده... (س ۱۰۳)
۵۷	قواعد کلیه جامعه	مقررات عمومی جامعه، عرف جامعه، سنت جاری	... و قواعد کلیه جامعه در حفظ صحت خود به دستورالعمل اطباء حاذق معمول داشتند (س ۱۰ و ۱۱)
۵۸	قوانین مطلوبه	قوانین مورد نظر، قوانین خوب و مفید	رؤسای شهر که باید قوانین مطلوبه را اجرا نمایند (س ۴۹)
۵۹	کامله	کامل، تمام، تمام‌وکمال	تنظیمات و تنظیمات کامله‌ای که در شهر نمودند و ... (س ۶ و ۷)
۶۰	ماه ژولیه	ماه ژوئیه، ماه جولای	تنها در شهر فلورانس از ماه مارس تا ماه ژولیه سنه ۱۳۴۸ مسیحی متجاوز از دویست هزار نفر تلف شدند (س ۱۰۱ تا ۱۰۳)
۶۱	متابعت کردن	تبعیت کردن، پیروی کردن، همراهی کردن	با کسان میت در گریه و شیون همراهی و متابعت می‌کردند (س ۷۵ و ۷۶)
۶۲	متروک شدن	کنار گذاشته شدن، رها شدن، منسوخ شدن، نامتداول شدن	اغلب رسوم و آداب که برای اموات به جا می‌آوردند بالمره متروک شد (س ۷۳ و ۷۴)
۶۳	متروکات	میراث، ماترک	چه متمولین صاحب‌مایه‌ای که امروزه وارثی برای ضبط متروکات و مخلفات آنها باقی نمانده (س ۱۰۵ و ۱۰۶)
۶۴	متکثره	زیاد، متزاید، افزون، بسیار	دارای جمعیت متکثره بوده... (س ۱۰۳)
۶۵	متوسطین	طبقه متوسط، دارای رتبه نه بالا و نه پست، میانه‌حالان	پس حال فقرا و متوسطین را باید بدین وتیره قیاس کرد (س ۸۳)
۶۶	مثمر ثمره	مفید، سودمند، مثمر ثمر	ابداً مفید فایده‌ای و مثمر ثمره‌ای مطلوبه نشد (س ۱۱)

ردیف	واژه متن	واژه امروزی	جمله متن
۶۷	مجدانه	جدی، مجدانه، با جدیت، سرسختانه	مردانه و مجدانه با دل‌های پولادی بدون ترس و واهمه از احباب و اصحاب پرستاری می‌کردند (س ۶۸ و ۶۹)
۶۸	محض	به‌مجرد، به‌محض	گاهی هم محض ظهور مرض، بدون اینکه در مریض آثار تبی و تعبی استنباط شود (س ۲۰ و ۲۱)
۶۹	مخلفات	میراث	چه متمولین صاحب‌مایه‌ای که امروزه وارثی برای ضبط متروکات و مخلفات آنها باقی نمانده (س ۱۰۵ و ۱۰۶)
۷۰	مدت قلیلی	مدت کمی، مدت قلیلی، اندک‌زمانی	در بسیاری از اوقات در مدت قلیلی مریض را هلاک می‌کرد (س ۱۹ و ۲۰)
۷۱	مدنیت	تمدن، شهرنشینی، مدنیت	مثل اینکه احکام خداوندی و ... قوانین مدنیت و معاملات حسنه... از میان رفته باشد (س ۴۶ تا ۴۸)
۷۲	مرباطه	ارتباط، رفت‌وآمد، نشست‌وبرخاست، حشرونشر	مرباطه با یکی از پرستاران مریض داشته (س ۳۵ و ۳۶)
۷۳	مزدور	کارگر، مزدگیر	مرده را دو سه نفر مزدور و یک دو نفر کشیش حمل کرده (س ۸۰ و ۸۱)
۷۴	معاش	معاش، روزی	جمعی دیگر که باید معاش خود را کسب کرده یومیه صرف نمایند... (س ۵۲)
۷۵	معاصی	گناهان، معصیت‌ها، معاصی	همانا از تکاثر معاصی ما در سنه ۱۳۴۸ مسیحی این شعله جانسوز خود را به شهر فلورانس کشانید (س ۲ و ۳)
۷۶	معاملات	۱. معاملات، خرید و فروش ۲. رفتارها، رفت‌وآمدها، معاشرت‌ها	اغلب معاملات در این گرفتاری متروک، ایاب‌وذهاب موقوف، آذوقه نایاب... (س ۸۴)

ردیف	واژه متن	واژه امروزی	جمله متن
۷۷	معاملات حسنه	رفتارهای پسندیده، تعاملات دوستانه	مثل اینکه احکام خداوندی و ... قوانین مُدُنیت و معاملات حسنه... از میان رفته باشد (س ۴۶ تا ۴۸)
۷۸	معتبرین	رجال صاحب نفوذ، بزرگان، شخصیت‌های برجسته، افراد ممتاز و شاخص	اگر جماعتی از معتبرین شاهد بر این مطلب نبودند (س ۲۶ و ۲۷)
۷۹	ملاقات	ملاقات، عیادت، دیدار	نه تنها مردم از ملاقات مریض گریزان بودند، ... (س ۳۴)
۸۰	منع دخول	منع ورود	مراقت اکیده که در تسدید طرق و شوارع در منع دخول مرضی از خارج به داخل کردند (س ۷ و ۸)
۸۱	منع مرابطه و مخالطه	محدودیت رفت‌وآمد و تجمع، منع تردد	با وجود مواظبت هیئت مجتمعه رؤسای شهر در منع مرابطه و مخالطه اهالی در مواضع و مواقع و اماکنی که احتمال مرض می‌رفت (س ۴ تا ۶)
۸۲	مواضع و مواقع و اماکن	جای‌ها و محل‌ها و مکان‌ها، محیط‌ها و اماکن	با وجود مواظبت هیئت مجتمعه رؤسای شهر در منع مرابطه و مخالطه اهالی در مواضع و مواقع و اماکنی که احتمال مرض می‌رفت (س ۴ تا ۶)
۸۳	مواظبت	نظارت کردن بر اجرای صحیح کار، پایش	با وجود مواظبت هیئت مجتمعه رؤسای شهر در منع مرابطه و مخالطه اهالی در مواضع و مواقع و اماکنی که احتمال مرض می‌رفت (س ۴ تا ۶)
۸۴	موقوف	ممنوع، متوقف	اغلب معاملات در این گرفتاری متروک، ایاب و ذهاب موقوف، آذوقه نایاب... (س ۸۴)
۸۵	مهوشان	ماهرویان، زیبارویان	شاهدان شوخ و شنگ و مهوشان خوب و قشنگ (س ۱۰۷)



ردیف	واژه متن	واژه امروزی	جمله متن
۸۶	میت	میت، متوفی	به محض نزدیک شدن پرستار به مریض یا ارتباط عملة موت به میت فوراً تأثیر نموده گرفتار می‌شدند (س ۲۲ و ۲۳)
۸۷	نازنده	فخرکننده، مغرور، سرافراز	چه اندازه مردمان نازنده برازنده و اشخاص نجیب... (س ۱۰۶ و ۱۰۷)
۸۸	نظامات ملکيه	نظم و مقررات کشوری، قواعد و قوانین کشوری	مثل اینکه احکام خداوندی و ... قوانین مُدنیّت و معاملات حسنه و نظامات ملکيه... از میان رفته باشد (س ۴۶ تا ۴۸)
۸۹	وتیره	شیوه، روش، سبک	پس حال فقرا و متوسطین را باید بدین وتیره قیاس کرد (س ۸۳)
۹۰	هلاک شدن	تلف شدن، فوت کردن، مردن	بعد از آن مریض هلاک می‌شد (س ۱۹) * هلاک شدن امروز در بافت متون تاریخی یا در زبان عامیانه به کار می‌رود.
۹۱	هوای عفن	هوای بدبو، هوای متعفن	تا شامۀ خود را از استشمام هوای عفن شهر حفظ نمایند (س ۵۵ و ۵۶)
۹۲	هول	هراس، ترس و اضطراب شدید	از خوف و هول مرگ ابداً حالت رسیدگی به خود را نداشتند (س ۵۰ و ۵۱)
۹۳	هیئت مجتمعه رؤسای شهر	شورای شهر (؟)	با وجود مواظبت هیئت مجتمعه رؤسای شهر در منع مرابطه و مخالطۀ اهالی در مواضع و مواقع و اماکنی که احتمال مرض می‌رفت (س ۴ تا ۶)
۹۴	یومیه	روزانه، یومیه	جمعی دیگر که باید معاش خود را کسب کرده یومیه صرف نمایند... (س ۵۲)